فرامین احمدشاه درانی مرتبط با آستان قدس رضوی

زهرا فاطمی مقدم[۱]

چکیده

در این نوشتار سه فرمان از احمدشاه درانی راجع به تشکیلات اداری آستان قدس در دوره افشاریه معرفی می شود. احمد شاه که از وی به عنوان بانی نخستین حکومت نوین در افغانستان یاد می شود طی سالهای ۱۱۶۳-۱۱۸۴ هجری قمری سه بار مشهد را به عنوان مقر حکومت افشاریان مورد حمله قرار داد و دو بار توانست شاهرخ افشاری را به اطاعت خود وادارد. در این بین تشکیلات اداری آستان قدس نیز به محلی برای اعلام برتری احمدشاه بر شاهرخ تبدیل می شود. وی با صدور سه فرمان که به ترتیب در سالهای ۱۱۶۸، ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ هجری قمری صادر می کند ضمن دخالت در امور آستانه ، بالاتر بودن مقام خود بر شاه افشاری را به رخ می کشد. این فرامین که مربوط به ابقاء ناظر و متولی بر مناصب خود و نیز انتصاب وکیلی جدید برای آستانه است پرسش هایی را در مورد جایگاه این مناصب ، علل صدور این فرامین و اهمیت این اسناد در ذهن ایجاد می کند. در این نوشتار تلاش شده علاوه بر بازخوانی متن اسناد با مقابله و مقایسه این فرامین با یکدیگر به تجزیه و تحلیل محتوای آنها نیز پرداخته شود.

کلید واژه های موضوعی: احمدشاه درانی، تشکیلات اداری آستان قدس رضوی، مشهد، افشاریه

مقدمه

با قتل نادر در سال ۱۱۶۰ ق احمدخان فرزند زمان خان ابدالی سدوزه ای (گلستانه،۱۳۵۶ : ۶۰) همچون سایر خوانین و سرکردگان سپاه نادر که داعیه قدرت در سر می پروراندند، همراه با دسته افغانان حاضر در اردوی نادر به سمت قندهار حرکت کرد. (حسینی جامی،۱۳۸۴ : ۶۴) در بین راه سپاه افغان وی را به سرداری خود برگزیدند «و دسته علفی را چیده و به جای جیقه بر سر او نصب کردند و ملقب به احمدشاه» نمودند. (گلستانه،۱۳۵۶ : ۶۰) احمدشاه پس از تثبیت قدرت در قندهار و از میان برداشتن مخالفان داخلی با آگاهی از اوضاع خراسان و جنگ قدرتی که در همین زمان در میان خاندان افشاری جریان داشت به قصد حمله به خراسان روانه آن منطقه شد. به نظر می رسد علاوه بر مناسب بودن شرایط سیاسی – نظامی برای هجوم به خراسان، بدست آوردن غنایم و ثروت به جای مانده از نادر برای تأمین هزینه های گوناگون سپاه از دیگر دلایل حمله احمدشاه به شمار آید. از سوی دیگر تسلط بر خراسان و به ویژه مشهد به عنوان مرکز اصلی حکومت افشاریه برای خان ابدالی به معنای نوعی جانشینی نادر محسوب می شد.

۱– کارشناس ارشد تاریخ و کارشناس نمایه سازی اسناد سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، fatemi7638@gmail.com

در این زمان شاهرخ میراث دار حکومت افشاریان بود. وی که بازیچه دست امرای خراسان بود در سال دوم حکومتش مواجه با شورش برخی امرای محلی گردید. این امرا شاهرخ را عزل و یکی از فرزندان میرزا داود متولی سابق آستان قدس رضوی را به نام «سید محمد» و با لقب «شاه سلیمان دوم» به تخت نشاندند.(مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۱۴) اما حکومتش بیش از چهل روز دوام نیافت و مجدداً شاهرخ با کمک دیگر امرا به تخت نشست. (گلستانه،۱۳۵۶ : ۵۵)

احمد شاه پس از آگاهی از این جریانات به سمت هرات لشکر کشید و آنجا را تصرف کرد.(همو: ۶۴) وی سپس در سال ۱۱۶۳ به سمت مشهد حرکت و این شهر را به محاصره گرفت اما ظاهراً بی هیچ پیروزی چشمگیری از مشهد به نیشابور رفت. در آن جا هم نتوانست کاری از پیش برد و درنتیجه به هرات بازگشت.[۱] (گلستانه،۱۳۵۶ : ۶۵ ؛ مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۴۰)

درسال ۱۱۶۷ق. احمدشاه دومین هجوم خویش را به خراسان آغاز کرد. با اینکه محاصره مشهد چند ماه طول کشید اما باز هم احمد خان نتوانست کاری از پیش ببرد بنابراین پیغامی برای شاهرخ فرستاد که «مرا شوق عتبه بوسی السلطان الاولیاء، سید الاتقیاء، امام ثامن، علی بن موسی الرضا علیه التحیته والثناء دامن گیر شده» و درخواست متارکه جنگ کرد. شاهرخ نیز که با قحطی و گرسنگی و تلف شدن بسیاری از مردم در شهر مواجه بود به صلح با احمدشاه رضایت داد وبه خدمت شاه درانی رسید. (حسینی جامی،۱۳۸۴ :298) احمدشاه با ورود به مشهد و تعیین نورمحمدخان به پیشکاری شاهرخ، سلطه ضمنی خود را بر حکومت افشاریه نشان داد (گلستانه،۱۳۵۶ : ۷۳) و این موضوع به خوبی در سجع مهر شاهرخ دیده می شود:

«یافت از الطاف احمد پادشاه شاهرخ بر تخت شاهی تکیه گاه» (گلستانه،۱۳۵۶ : ۱۵-۴۱۴)

اما مدتی پس از بازگشت احمدشاه، مردم مشهد دست نشانده وی و سایر قوای افغان را از شهر بیرون کردند. (حسینی جامی،۱۳۸۴ : ۲۱) در سال ۱۱۸۴ احمدشاه برای سومین بار عزم تصرف خراسان کرد. تصرف مشهد پس از محاصره ای چندین ماهه ممکن شد و احمد شاه تنها به اظهار اطاعت شاهرخ و پسرش نصرا... میرزا اکتفا کرد. وی در حالیکه به بیماری جذام مبتلا بود و چندان به ادامه حضورش در مشهد خوش بین نبود، خراسان را ترک کرد. (حسینی جامی،۱۳۸۴ :663؛ گلستانه،۱۳۵۶ : ۴۲۹) ایشان مدتی بعد بر اثر همین بیماری درگذشت.[۲]

در دوره زمانی مورد نظر یعنی در فاصله سالهای ۱۱۶۳-۱۱۸۴ هجری قمری آستان قدس رضوی نیز با شرایط ویژه ای رو به رو بود. اگر چه در دوره علیشاه به منظور جلب نظر مردم و علماء اصلاحاتی در این مجموعه صورت گرفته بود ولی هنوز به

---

[۱]- نویسنده کتاب تاریخ احمد شاهی علت ترک محاصره مشهد رامکاشفه احمدشاه وبشارت امام رضادرمورد پیروزی آینده اش ذکر می کند. (حسینی جامی،۱۳۸۴ : ۲۰۲)

[۲]- در مورد سال درگذشت وی اختلاف نظر است. در فهرست التوایخ و زینت التواریخ سال ۱۱۸۰ ق ذکر شده ، در مطلع الشمس و مجمل التوایخ و تاریخ بخارایی سال ۱۱۸۵ق یاد شده است. در تاریخ سلطانی سال ۱۱۸۶ق و در تاریخ گلشن مراد اثر ابوالحسن غفاری سال ۱۱۹۲ ق و در کتاب تاریخ درانی سال وفات احمد شاه درانی را ۱۱۸۳ ق می نویسند. (گلستانه،۱۳۵۶ :۴۴۸).

صورت کامل تغییرات انجام گرفته در زمان نادر به وضع قبلی بازگشته نبود. تغییراتی نظیر حذف منافع مالی آستانه با مصادره موقوفات، کوچک کردن تشکیلات، حذف و یا تغییر جایگاه برخی مناصب و ... تاحدی اوضاع این مجموعه را نسبت به دوره صفویه با آشفتگی روبه رو کرده بود اما با این حال هنوز از اهمیت و جایگاه آن در نظر مردم و حکومت نکاسته بود. به نظر می رسد در راستای همین جایگاه مهم باشد که احمد شاه درانی پس از تسلط بر مشهد فرامینی در مورد تشکیلات اداری آستان قدس صادر می کند تا ضمن افزایش نظارت خویش در این مجموعه، دامنه قدرت و نفوذ خود را نیز نشان دهد. این در حالی است که حکومت افشاریه نیز چه توسط خود شاهرخ و چه توسط پسرانش به ویژه نصرالله میرزا به طور وسیعی در امور آستانه دخالت می کردند، به نحوی که آن را تبدیل به یکی از ارکان حکومت خود کرده بودند.

در ادامه سه فرمان باقی مانده از احمدشاه درانی مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس بر اساس اولویت سال صدور معرفی می گردد و تلاش می گردد علاوه بر بازخوانی اسناد با کمک مقایسه فرامین با یکدیگر، جایگاه و اهمیت هر یک از این سه فرمان بررسی شود.

اهمیت و محتوای اسناد

از احمد شاه درانی سه فرمان در مورد آستان قدس رضوی به جای مانده که نخستین آن مربوط به سال ۱۱۶۸ق. یعنی همان سالی که احمدشاه پس از صلح با شاهرخ وارد مشهد شد. دو فرمان دیگر مربوط به سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ هجری قمری است که نشان می دهد که هنوز در این سالها حکومت افشاریه و به تبع آن آستان قدس رضوی در تبعیت شاه درانی هستند. نکته قابل توجه در این فرامین دخالت احمد شاه در عزل و نصب های شاه افشاری در آستانه است اموری که همواره به دستور مستقیم و یا غیر مستقیم شاهرخ انجام می شد. نکته دیگری که درخصوص این اسناد حایز اهمیت است محتوای آنها می باشد. این فرامین که در تأیید و ابقای ناظر، متولی و نیز تعیین وکیل جدید آستان قدس رضوی است گویای اهمیت این مشاغل در حرم رضوی می باشد که در لابه لای آن می توان به نحوی به شرح وظایف آنها نیز دست یافت.

فرمان نخست که در ۲۴ صفر سال ۱۱۶۸ ق صادر شده و با جمله فرمان همایون شد آغاز می شود، در تأیید نظارت «میرزا محمد رضی ناظر» است. وی که پیش از این نیز ناظر آستان قدس بود از طرف احمدشاه درانی در سمت خویش ابقا می شود.

شغل نظارت از مشاغل مهم تشکیلات اداری آستان قدس رضوی بوده که وظیفه حراست و نگهبانی و مواظبت بر انجام کارها در کلیه امور آستان قدس را برعهده داشته و متناسب با گسترده شدن تشکیلات اداری به وجود آمده است. (حسن آبادی، ۱۳۵ :) احمدشاه در این فرمان میرزا سید محمد رضی را موظف می کند که با کلیه کارکنان با حسن سلوک و کاردانی برخورد کرده تا رضایت همه را به دست آورد. این فرمان مربوط به زمانی است که احمدشاه برای نخستین بار وارد مشهد می شود و

گویای تلاش شاه ابدالی برای نشان دادن سلطه خویش بر حکومت افشاریه و همچنین تشکیلات اداری آستان قدس است. ذکر القاب «درباره سیادت و نجابت و شرافت پناه، سلالهٔ السادات و النجباء العظام» در مورد میرزا محمد رضی و نیز بیان این نکته که وی را به «رتبه رفیع المرتبه نظارت سرکار فیض آثارسرافراز و ممتاز بین الامثال و الاقران و محسود همگنان فرمودیم»، نشان از جایگاه برتر این شخص و همچنین شغل نظارت آستانه در دوره مورد نظر و نیز در نزد احمد شاه درانی است. از آنجا که اصل این سند دردست نیست ارائه مشخصات سند شناسی ازخود سند امکانپذیر نمی باشد.[۱]

سند دوم، که با جمله حکم همایون شد آغاز می شود و به خاطر داشتن تزئینات از دو سند دیگر متمایز می باشد، فرمان احمدشاه درانی در تعیین وکیل آستان قدس رضوی است. وکالت در آستان قدس رضوی شغل مهمی بوده که از یک طرف وظیفه رسیدگی به دعاوی مالی و وقفی آستانه با مستأجران و متصرفان و از طرف دیگر نظارت بر امور مالی، درآمدها و هزینه ها را بر عهده داشته است. (حسن آبادی، ۱۳۸۷: ۱۶۹) مطابق این سند، گویا در این زمان محمد صادق[۲] سرکشیک آستان قدس همزمان شغل وکالت را نیز بر عهده داشته است که مطابق متن سند احمد شاه با توجه به اهمیت این شغل، این منصب را به فرد دیگری واگذار می کند. نکته قابل توجه این که هم در این زمان و هم در دوره های قبل و بعد از افشاریه، دو یا چند شغله بودن افراد در آستانه امری رایج بوده وحتی دریک مورد در دوره صفویه سرکشیک اول منصب وکالت آستان قدس را نیز بر عهده داشته است.[۳] چنین به نظر می رسد که این موضوع تنها دستاویزی برای قرار دادن یک فرد قابل اطمینان جهت کنترل بیشتر امور آستانه باشد. در سند فوق وظیفه وکیل به خوبی شرح داده شده است. البته به نظر می رسد که احمد شاه به منظور نظارت بیشتر بر این تشکیلات، دامنه اختیارات این فرد را افزایش داده است چرا که در ادامه سند وی را موظف می کند که پس از چند ماه به اردوی شاه درانی رفته و او را از کلیه امور آستان قدس آگاه کند. او همچنین به متولی و دو صاحب منصبی که به عنوان جانشین خود در مشهد گماشته، تأکید می کند که بدون اطلاع وکیل کاری انجام ندهند. این مطلب گویای اهمیت این منصب در این زمان و برتری آن نسبت به سایر مناصب آستانه حتی متولی می باشد . این سند که در رجب سال ۱۱۷۰ق.

---

[۱]– تصویر سند در کتاب سالشمار وقایع مشهد نوشته محمد تقی مدرس رضوی صفحه ۲۶۷ آورده شده ولی از کیفیت مناسبی برای ارائه، برخوردار نمی باشد.

[۲]– مطابق سند شماره ۳۷۳۶۷ موجود در مدیریت اسناد و مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی، این فرد سرکشیک سوم بوده است. شغل سرکشیکی از مشاغل موروثی و قدیمی بارگاه رضوی است که با توجه به بزرگی و یا کوچکی تشکیلات استان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه بین ۳ تا ۵ کشیک وجود داشته است. فردی که این مسئولیت را می پذیرفته وظیفه رسیدگی به امور کشیک خود در حرم رضوی که شامل روضه منوره و سایر اماکن متبرکه بوده و نیز نظارت بر کارهای خدام ، فراشان، دربانان، موذنان و کفشبانانی که در آن کشیک خدمب می کردند را برعهده داشته است.

[3] – سند شماره ۳۵۷۶/۵ مدیریت اسناد و مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی

صادر شده و دارای تزئینات و حاشیه های منقش طلایی می باشد که در قطع ۲۷/۵ × ۵۰ و بر روی کاغذ کشمیری نگاشته شده است.

سند سوم فرمان دیگری در خصوص ابقای «ملامحمد شرف خان» در مسند تولیت آستان قدس رضوی است. متولی که رئیس تشکیلات اداری آستان قدس رضوی به حساب می آمده وظایف متعددی چون نظارت کامل بر کار کارکنان دوایر مختلف، پرداخت مواجب، جمع و خرج های مالی، تصدیق احکام صادره از سوی پادشاهان، نظم و نسق زراعات و ... را بر عهده داشته است. (حسن آبادی، ۱۳۸۴: ۸۰) این فرمان که تاریخ ربیع الاول سال ۱۱۷۱ق را بر خود دارد با عبارت "فرمان همایون شد" آغاز می شود گویا در جواب نامه متولی به احمدشاه صادر شده است که طی آن شاه درانی ضمن ابقای محمد شریف خان بر مسند خویش، وی را در "هرباب خاطرجمع" می نماید. این احتمال وجود دارد که پس از صدور فرمان احمدشاه در مورد تعیین میرزا علی رضا به وکالت آستانه و با توجه به گستردگی دامنه اختیارات وی و نیز منوط شدن متولی به هماهنگی در انجام کلیه امور با وکیل جدید، محمد شریف خان در مورد جایگاهش دچار نگرانی شده و به همین جهت با احمدشاه در این خصوص نامه نگاری کرده باشد. نکته جالب توجه در این سند این است که در مقایسه با فرمان ابقای میرزا محمد رضی در شغل نظارت و با توجه به کلمات و القاب به کار گرفته شده در هر دو سند، به نظر می رسد احمد شاه چندان نظر مثبتی به مستوفی نداشته و بیشتر این فرمان را به خاطر پاسخگویی به وی صادر کرده است. قابل ذکر است که فرمان مزبور بر روی کاغذ کشمیری بدون تزئینات و در قطع ۲۵ ۲۷ نگاشته شده است.

متن فرمان احمد شاه درانی در تأیید نظارت میرزا رضی ناظر

بسم الله خیرالاسماء لا اله الا الله

بقاء لله – فرمان همایون شد آن که بنا بر اشفاق و الطاف بی پایان شاهنشاهی و عنایات و اعطاف بیکران حضرت/ ظل اللهی– درباره سیادت و نجابت و شرافت پناه، سلالهٔ السادات و النجباء العظام، میرزا محمد رضی ناظر کار فیض آثار که در این وقت ذره ای از اشفاق و عنایات بلانهایات خاقانی شامل حال و کافل امانی و آمال مشارالیه شده/ از ابتدا چهار ماههٔ هذه السنهٔ مبارکهٔ ایت ئیل مشارالیه را کماکان به رتبه رفیع المرتبه نظارت سرکار فیض آثار/ سرافراز و ممتاز بین الامثال و الاقران و محسود همگنان فرمودیم که چنانچه باید و شاید و از مراتب کاردانی و اخلاص او سزد و آید به لوازم و مراسم امر مزبور و خصوصیات آن قیام و اقدام داشته، حسن خدمت/ و کاردانی و اخلاص خود را بیش از پیش منظور نظر آفتاب اثر اقدس نماید و در ملزومات و خصوصیات/ خدمت مزبوره به دستور سنوات قبل آنچه لازمه سعی و اهتمام و دقت و کاردانی بوده باشد به عمل آورد/ و با عموم عمله و خدمه سرکار فیض آثار به نوعی سلوک ورزد که همگی از حسن سلوک و کاردانی/ او راضی و شاکر بوده، در کمال اطمینان و خاطر

جمعی نهایت امیدواری در آن آستانه مقدسه متبرکه/ به دعاگویی دولت روزافزون اقدس مشغول باشند و حق النظاره[1] را هرساله به موجب طومار قرار[2]/داد، بازیافت و صرف معیشت خود نموده در کمال راستی و درست اعتقادی به خدمت مقرره و دعاگویی / دولت روزافزون قاهره مشغول باشد. حفاظ و عمله و خدمه در سرکار فیض آثار، حسب المقرر، مشارالیه را ناظر بالاستقلال و الانفراد سرکار فیض آثار دانسته از سخن و صلاح حسابی او که متعلق به خدمت مزبوره باشد تخلف و تجاوز ننمایند و اعزاز و احترام او را/ فراخور مرتبه او از لازم دانند. مستوفیان و لشکرنویسان عظام کرام صورت رقم مطاع را در دفاتر لازمه ثبت و ضبط حسب المقرر معمول و منظور داشته در عهده شناسند. فی ۲۴ صفر سنه ۱۱۶۸.

فرمان احمد شاه درّانی در تعیین وکیل آستان قدس رضوی و محدوده اختیارات و وظایف وی

1 – حق النظاره دستمزدی بود که به ناظران پرداخت می شد.

2 – طومار به معنی دفتر و کاغذ می باشد که در اینجا منظور از طومار قرارداد دستورالعمل های اداری می باشد.



{سجع مهر:} الحکم لله، یا هو، یا فتاح، احمدشاه در دڑانی، ۱۱۶۵.

{طغرا:} اعوذ بالله تعالی شأنه، حکم همایون شد آنکه چون همواره خواطر ملکوت ناظر نواب اشرف بدان متعلق است که آستانه مقدسه منوره مطهره علی بن موسی الرضا که اعظم امکنه و اشرف ابنیه است، کمال انتظام/ و رونق داشته باشد و درین وقت به عرض اقدس رسید که خدمت وکالت سرکار آستانه مقدسه منوره را به سلالهٔ السادات، میرزا محمد صادق سرکشیک مفوض و مرجوع نموده اید و این خلاف/ ضابطه و مروت است که دو خدمت عمده به یک شخص داده شود و در حسن سرکارات باید شخص متوجه حسن منصبی باشد که به کمال زیور صلاح و سداد و راستی و درستی و امانت و دیانت و بی طمعی آراسته باشد و/ من جمیع الجهات خواطر نواب همایون با ما جمع باشد که به راستی و درستی متوجه سرکارشده، نگذارد که بر ضعفا و عجزه منسوبان در توضیع[1] و تقسیم وظایف تحمیلی واقع شود و هرگاه شخصی باشد که حقیقتاً از اخلاص/ پناهان بندگان اقدس باشد، البته به نحوی نمی ماند که به دو جای در چنین مکان شریفی جهت نواب اشرف حاصل شود، بناء علیه شمه {ای} از الطاف بی نهایت خسروانه و مرحمت بی غایت خدیوانه شامل /حال عالی شأن سموالقدر و المکان، خلاصهٔ الاشراف الاکرام و النجباء العظام، میرزا علی رضای ایشیک اقاسی باشی آستانه مقدسه منوره گردیده، منصب وکالت مزبور را با مبلغ یکصد تومان تبریزی/ نقد و مقدار پنجاه خروار غله مثالثه[2] به وزن تبریز[3] مواجب سالیانه و جیره، موافق طومار قرارداد از ابتداء هذه السنه قوی ئیل در وجه او شفقت و مرحمت فرمودیم که هرساله مواجب و جیره[4] خود را/ بلا قصور و انکسار و توضیع و تقسیم از نقد وجوهات سرکار بالتمام و الکمال به قبض خود بازیافت نموده صرف معیشت خود نماید و از روی راستی و درستی و بی طمعی متوجه امور متعلقه به سرکار فیض آثار/ شده، نحوی نمایند که عندالخالق و الخلایق مرضی و {ناخوانا} باشد و دادوستد و عزل و نصب و نسق و نظام و امور زراعی و تنقیه قنوات و سایر امور متعلقه به سرکار را باید عالی جاه/ رفیع جایگاه، علامهٔ العلمایی، افضل الفضلای، محمد شریف خان متولی، بدون اطلاع و استحضار آن عالی شأن رفیع مکان ننمایند و آنچه لازمه سعی و اهتمام باشد به جای آورده ساعتی/ و دقیقه ای کوتاهی ننموده، حسن خدمت و کاردانی خود را مورد عنایات خواطر خورشید مظاهر سازد. عالی جاه رفیع جایگاه، وکالت و شوکت پناه، امیرالامراء العظام/ نور محمد خان دڑانی وکیل الدوله و سردار و عالی جاه رفیع جایگاه، عمدهٔ الخوانین العظام، محمد حسین خان دڑانی لزگی، حاکم دارالرفاه فراه و صاحب اختیار /ممالک موضوعه خراسان و عالی جاه رفیع جایگاه، افضل العلما، علامهٔ العلما، محمد شریف خان، متولی جلیل القدر و عالی شأنان سموالقدر و المکان ناظر و/ وزیر و مستوفی و سرکشیکان و باقی خدمه این آستان و عمال و عمله و تحویلداران و مباشرین آن سرکار عالی شأن سموالقدر و المکان، خلاصهٔ الاشراف الدین/ و النجباء العظام، مشارالیه را وکیل و صاحب اختیار بالانفراد و الاستقلال آن سرکار دانسته، کمال اعزاز و احترام و تبجیل[5] و اکرام او را به جای آورده،/ از سخن حسابی او تخلف نورزیده، بدون خط و مهر و اطلاع و استحضار او در امور جزئی و کلی آن سرکار دخل و تصرف ننمایند و امور وکالت را /مختص عالی شأن مومی الیه دانسته، احدی را شریک و سهیم ندانند و باید آن عالی شأن مومی الیه یک نفر را محرر راست قلمی که به امانت و دیانت /آراسته باشد تعیین نموده، سررشته مشخص منقحّی مضبوطی بر جزئی و

---

1 – توزیع صحیح می باشد.

2 – احتمالا منظور از مثالثه دو رسد گندم ویک رسید جومی باشد. (سند شماره ۴۴۸۵۹/۱۱)

3 – وزن تبریز یکی از مقیاسهای وزن در ایران است که معادل ششصد و چهل مثقال و منی معادل چهل سیر است. (دهخدا ذیل واژه تبریزی)

4 – مقرری روزانه

5 – بزرگ داشتن

کلی دادوستد و معاملات آن سرکار بلاقصور و انکسار از نقد وجوهات عاید او سازد و هر ساله مواجب و جیره / مشارالیه را به دستور استمرار موافق محرران آن سرکار بلاقصور و انکسار از نقد وجوهات عاید او سازند که ان شاءالله تعالی بعد از پنج شش ماه/ دیگر، آن عالی شأن مشارالیه را به اردوی معلی طلبیده باید کمال استحضار بر چگونگی مداخل و مخارج و دادوستد معاملات آن سرکار به هم رسانیده/ باشد که از هر جمع آوری حاصل آن، سرکار کمال سعی و اهتمام نموده در/ توضیع و تقسیم حیف و میلی بر احدی واقع نشود و نوعی با خدمه و منسوبین و عمال و مباشرین آن سرکار سلوک نماید که از حسن سلوک او راضی و شاکر/ باشند و خدمت ایشیک آقاسی باشی گری که با عالی شأن مشارالیه بوده مع جیره و مواجب به دستور استمرار که در وجه آن عالی شأن مقرر بوده دانسته به شرافت /و نجابت پناه سلالهٔ النجابیی میرزا ابوالحسن ولد عالی شأن مشارالیه شفقت و مرحمت فرمودیم و مادامی که شرافت و نجابت پناه مزبور به مرتبه رشد و کمال رسد، آن عالی شأن/ باید که در خصوص خدمت مزبوره نایبی به جهت او تعیین کند که به تقدیم ملزومات خدمت مزبور قیام نموده دقیقه {ای} از دقایق مهمات متعلقه امر مزبور را نامرعی نگذارد که در این باب /مسامحه و تعطیلی به منصه ظهور نرسد و در هر باب به نحو مقرر معمول داشته از فرموده تخلف نورزند. مستوفیان عظام کرام صورت رقم مبارک/ مطاع را دفاتر خلود ثبت و از جوانبحسب المقرر معمول و قدغن دانسته در عهده شناسند. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۱۷۰.

{پشت سند:}

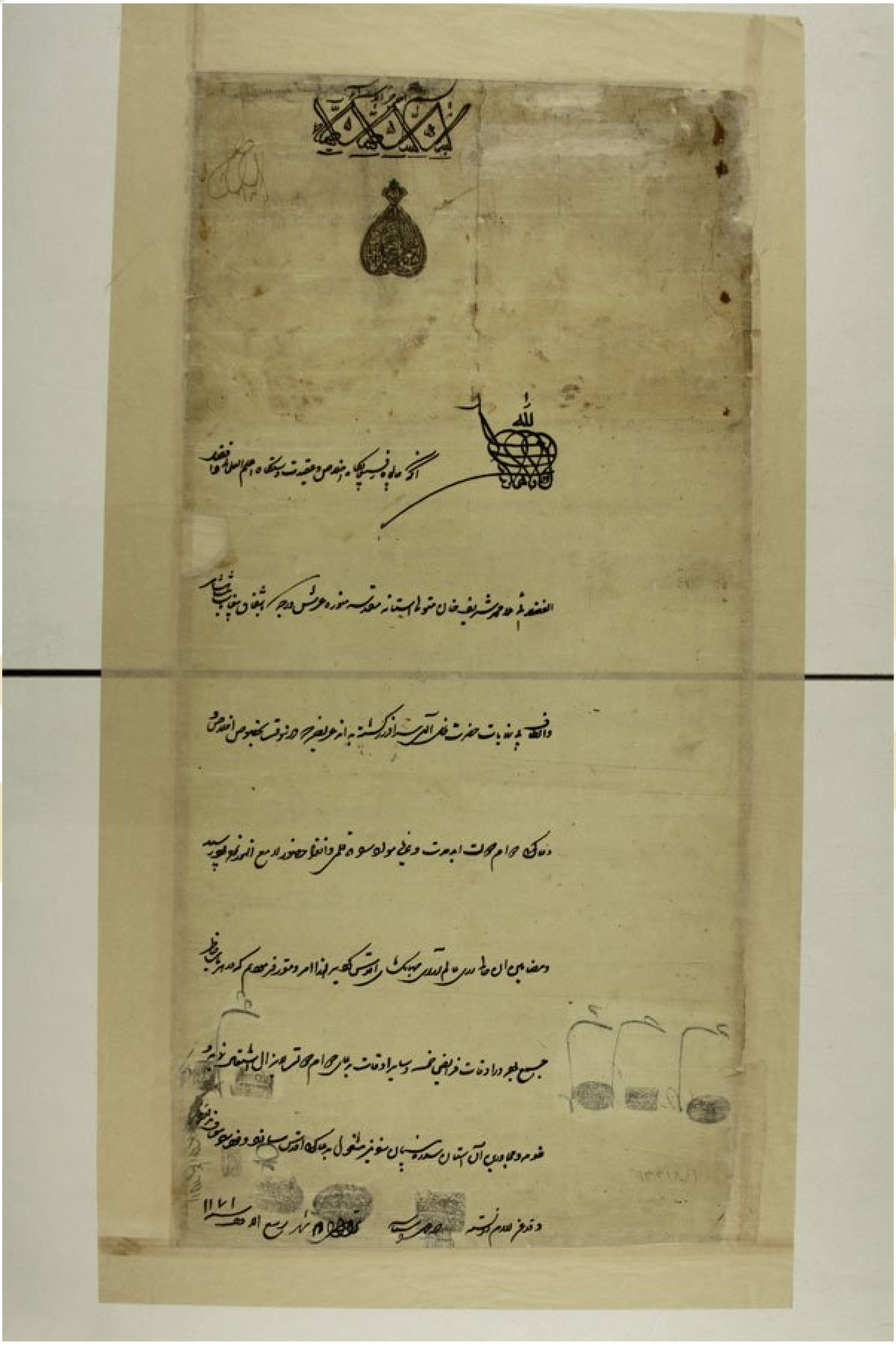
۱- مهرچهارگوش: {ــــ}

۲- {مهرچهارگوش:} افوض امری الی الله عبده گل محمد، ۱۱۶۸.

۳- {مهربیضی:} لا اله الا الله، الملک الحق المبین، عبده یاقوت.

۴- {مهرچهارگوش:} عبده سعادت.

فرمان احمد شاه درانی درخصوص ابقای ملا محمدشریف خان بر مسند تولیت آستان قدس



بسم الله خیرالاسماء

بسم الله الرحمن الرحیم

{مهر:} الحکم لله، یا هو احمد شاه در درّانی، یا فتاح، ۱۱۶۵

{طغرا:} الحکم لله، فرمان همایون شد. آن که عالی جاه رفیع جایگاه اخلاص و عقیدت دستگاه، اعلم العلمای و افضل /الفضلائی ملا محمد شریف خان متولی آستانه مقدسه منوره عرش درجه، به اشفاق بی غایات شاهنشاهی و /الطاف بی نهایات حضرت ظل اللهی سرافراز گشته، بداند، عریضه که درین وقت به خصوص اخلاص و/ دعاگویی دوام دولت ابد مدت و غیرها، سواد[1] را که قلمی و انفاذ حضور لامع النور نموده بود رسید، و/ مضامین آن، حالی روی عالم آرای جهانگشای اقدس گردید. لهذا امر و مقرر فرمودیم که در هر باب خاطر /جمع بوده در اوقات فرایض حسنه و سایر اوقات به دعای دوام دولت لایزال اشتغال نماید و /خدمه و مجاورین آن آستان سدره بنیان را نیز مشغول دعاگویی اقدس سازد و خود را معاف ندارد /و قدغن لازم دانسته در عهده شناسند. تحریراً ۸ شهر ربیع الاول سنه ۱۱۷۱.

{پشت سند:} {مهربیضی} لا اله الا الله الملک الحق المبین. امان الله. نوشته شد.

محمد یوسف بن علی رضا، ۱۱۶۱، ثبت شد.

الراجی الی الله عبده محمد هاشم. نوشته شد.

بنده غلام بارگاه شاه در دران آصف ولیخان.

لا اله الا الله الملک الحق المبین، عبده کل محمد.

لا اله الا الله الملک الحق المبین، عبده یاقوت، صحیح است.

عبده سعادت، ۱۱۷۰ه.ق.

محمود الحسینی، سنه ۱۱۷۳ {مرصع}شد.

قلمی شد. الشکرلله فی امان الله.

{حاشیه} از قرار حکم اقدس.

منابع و مآخذ

حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۴). "متولیان آستان قدس از دوره صفویه تا افشاریه". **دفتر اسناد**، جلد دوم و سوم، مشهد سازمان کتابخانه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). **سادات رضوی در مشهد**. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

حسینی جامی، محمود(۱۳۸۴). **تاریخ احمد شاهی.** تصحیح غلامحسین زرگری نژاد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[1] -رونوشت

قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). **مقدمه ای بر شناختن اسناد تاریخی**. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین (۱۳۵۶). **مجمل التواریخ**. به سعی و اهتمام مدرس طباطبایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۸۴). **مجمع التواریخ**. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: شرکت سهامی چاپ.